



بررسی کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی زن در نهج البلاغه

ناصر نیکخو امیری^۱؛ عبدالرحمن مخلص^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳

چکیده

زن در اندیشه اسلامی همواره به عنوان موجودی دارای کرامت ذاتی و مسئولیت‌های اجتماعی متنوع مورد توجه بوده است. نهج البلاغه به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی و اخلاقی در سنت شیعی، دیدگاه‌های ارزشمندی درباره جایگاه زن ارائه داده است. هدف این پژوهش، بررسی مفاهیم کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی زن در نهج البلاغه با رویکردی توصیفی-تحلیلی است. یافته‌ها نشان داد که امام علی (ع) زن را برخوردار از کرامت انسانی می‌داند که این کرامت نه تنها در بُعد ذاتی، بلکه در بُعد اکتسابی نیز قابل ارتقا است. این کرامت انسانی زن در نهج البلاغه در زیر خطبه‌ها، حکمت‌ها و نامه‌ها زیر عنوان زن امانت الهی، گل هستی و بهترین موجود عالم بیان شده است. همچنین مسئولیت اجتماعی زن در حوزه خانواده به عنوان حافظ ارزش‌های اخلاقی و در حوزه جامعه و رابطه با خداوند به عنوان مبلغ دین مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان عاملی برای انسجام و تعالی معنوی معرفی شده است. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که نهج البلاغه با ارائه تصویری متوازن از زن، بر هم‌زمانی کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد و می‌تواند مبنایی برای بازخوانی نقش زن در مطالعات معاصر اسلامی باشد. این پژوهش به صورت روش توصیفی و تحلیلی به این موضوع پرداخته است.

کلیدواژگان: نهج البلاغه، زن، کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی و مسئولیت اجتماعی.

۱. استادیار دانشگاه جامع‌المصطفی العالمية، گلستان، ایران؛ Nnikkhoo49@gmail.com

۲. دانش‌پژوه دوره دکترای اصول فقه، دانشگاه جامع‌المصطفی العالمية، گلستان، ایران؛

Mukhlis1377@gmail.com



زن در اندیشه اسلامی همواره به عنوان موجودی برخوردار از کرامت انسانی و دارای نقش‌های اجتماعی متنوع مورد توجه بوده است. در میان منابع اصیل اسلامی، نهج‌البلاغه جایگاهی ممتاز دارد؛ زیرا مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است که نه تنها بیانگر آموزه‌های دینی، بلکه منعکس‌کننده نگرش‌های اجتماعی و اخلاقی ایشان نیز می‌باشد. بدین ترتیب، علی‌رغم تبیین حقوق زن در فقه اسلامی، برداشت‌های سطحی یا متحجرانه‌ای در طول تاریخ وجود داشته که یا با تمرکز بر برخی توصیه‌های اخلاقی در مورد ارزش انسانی زنان و در باب حریم خانواده، نقش اجتماعی زن را نادیده گرفته و یا با قرائتی جزئی‌نگر، به تقلیل کرامت انسانی او انجامیده است. اهمیت و ضرورت این موضوع از آن جهت است که در مطالعات معاصر، بازخوانی متون کلاسیک اسلامی می‌تواند به رفع برخی سوءبرداشت‌ها و ارائه تصویری متوازن از زن در سنت دینی کمک کند. در شرایطی که مباحث مربوط به حقوق و مسئولیت‌های زنان در جوامع اسلامی و غیر اسلامی به صورت گسترده مطرح است، رجوع به نهج‌البلاغه می‌تواند مبنای نظری و عملی ارزشمندی برای تحلیل‌های علمی فراهم آورد. هدف نوشتار حاضر، تبیین جایگاه زن در نهج‌البلاغه با تمرکز بر دو مفهوم کلیدی «کرامت انسانی» و «مسئولیت اجتماعی» است.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به موضوع زن در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند؛ مانند: «جایگاه زن در نهج‌البلاغه» (محقق، ۱۳۸۵) که به دسته‌بندی کلی سخنان امام علی (ع) در این خصوص پرداخته است. «زن در کلام علی (ع)» (دهقان، ۱۳۹۰) که با رویکردی ادبی به تحلیل بلاغی خطبه‌ها همت گماشته است. «حقوق زن در نهج‌البلاغه» (زارعی، ۱۳۹۵) که به بررسی مصادیق حقوق فقهی و خانوادگی زنان اختصاص یافته است. با وجود چنین پیشینه‌هایی، خلأ پژوهشی محسوسی در زمینه تحلیل نظام‌مند همزمان دو مفهوم کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی زن و ارتباط این دو مؤلفه در منظومه فکری امام علی (ع) به چشم می‌خورد. بیشتر پژوهش‌های پیشین

در بحث‌های حقوقی و فقهی متمرکز شده‌اند و این دو مفهوم را به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نداده‌اند. از این‌رو نوشتار حاضر درصدد است تا با تمرکز بر این شکاف، تحلیلی یکپارچه و عمیق‌تر در موضوع ارائه نماید.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی کرامت

«کرامت» در لغت به معنای ارزش، حیثیت، احترام، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، مقام و منزلت، گرامی‌داشت، شأن، موقعیت، رتبه، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان، بخشش و جوانمردی و سخاوت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱/۱۶۰۷۰). تعریف «کرم» در مفردات چنین آمده است: «هرگاه خداوند متعال با واژه کرم توصیف شود، اسمی است برای احسان و بخشش نعمت ظاهر او می‌باشد اگر انسان یا این واژه توصیف شود، اسمی است برای اخلاق و افعالی پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود تا زمانی که از انسان این افعال و اخلاق صادر نشود واژه کریم اطلاق نمی‌گردد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۸). بنابراین، منظور از کرامت در این پژوهش همان ارزش ذاتی، مقام و منزلت انسان است.

«کرامت ذاتی» به مقام و منزلتی اطلاق می‌شود که هر انسان به صرف انسان بودن و از همان ابتدای تولد، فارغ از هرگونه عامل متغیری چون دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، تعلقات قومی یا جایگاه خویشاوندی، از آن برخوردار است. در واقع، این کرامت ذاتی، بستری اساسی فراهم می‌آورد تا افراد بتوانند با بهره‌گیری از آزادی و قابلیت‌های فطری خود، در عرصه‌های گوناگون جامعه به برنامه‌ریزی و نوآوری بپردازند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۷). به بیان دیگر، کرامت در اصطلاح به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: کرامت ذاتی و کرامت ارزشی یا اکتسابی. در این زمینه، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. کرامت ذاتی، شأن و حیثیتی است که همه انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن، بدون هیچ‌گونه استثنا از آن برخوردارند. در این نوع کرامت، عوامل بیرونی همچون رنگ، نژاد، زبان، جنسیت یا وضعیت سیاسی و اجتماعی هیچ نقشی ندارند (ارژنگ و دهقان سیمکانی،



۱۳۹۴: ۲۵). کرامت ذاتی در واقع مبانی حقوق فطری بود. اصول حقوق فطری، از فطرت و طبیعت انسانی نشأت گرفته و از طریق عقل انسان، کشف و استنباط می‌گردد. اما کرامت اکتسابی مربوط به اموری است که انسان با تلاش و سعی خویش به‌دست می‌آورد (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹). همچنین در معنای اصطلاحی کرامت بیان شده که حقیقت انسان جلوه تام حق است و هر کمالی که حق تعالی ذاتاً دارد، انسان نیز تبعاً و بالعرض دارد.

۲. کرامت انسانی در اندیشه اسلامی

«کرامت انسانی» مفهومی است که در تفکر اسلامی همزاد و همراه با خلقت انسان است؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» و به تحقیق ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم» (اسراء/ ۷۰). کرامت انسانی در اندیشه اسلامی، مفهومی بنیادین است که بر اساس آیات قرآن کریم، همه انسان‌ها فارغ از جنسیت، نژاد و طبقه اجتماعی، دارای حیثیت ذاتی هستند. این کرامت ذاتی با ایمان، عمل صالح و اخلاق نیکو به کرامت اکتسابی ارتقا می‌یابد (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۰). بنابراین، کرامت انسانی در اندیشه اسلامی از دو بُعد متمایز اما مرتبط برخوردار است: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. کرامت ذاتی، حیثیت و ارزشی است که ریشه در سرشت و آفرینش انسان دارد و به‌طور یکسان به همه افراد بشر اعطاء شده است. در مقابل، کرامت اکتسابی، مقام و ارزشی است که انسان از طریق ایمان، عمل صالح و فضیلت‌های اخلاقی به‌دست می‌آورد و موجب ارتقای وجودی او می‌گردد. آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام نیز بر این کرامت ذاتی همگانی تأکید فراوان داشته‌اند. این مفهوم، از جمله موضوعات بنیادین و پراهمیت در حوزه‌های گوناگون معرفت از جمله حقوق، فلسفه، اخلاق و عرفان به‌شمار می‌رود؛ چرا که کرامت انسانی، به‌عنوان زیرساخت و مبنا، منشأ بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسان قلمداد می‌شود. کرامت انسانی صرفاً یک مجموعه حقوقی انتقال‌پذیر یا قابل سلب نیست، بلکه محور و سنگ بنای اساسی مفهوم «حقوق بشر» است. پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، در گروی رعایت و پاسداری

از این اصل است. اگر به این اصل کلیدی بی‌توجهی شود و جامعه‌ای خود را ملزم به رعایت آثار و لوازم آن نداند، ارزش‌های بنیادینی چون عدالت، آزادی، برابری، صلح و نیز روابط سالم در سطح داخلی و بین‌المللی، معنای حقیقی خود را از دست خواهند داد. در چنین شرایطی، جهان شاهد گسترش روزافزون ظلم و بی‌عدالتی، خشونت، جنگ، تجاوز، تبعیض و بی‌مهری خواهد بود (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در فقه و کلام اسلامی، کرامت مبنای حقوق و تکالیف انسان تلقی می‌شود و بر وجاهت الهی انسان و قابلیت او برای رشد معنوی تأکید می‌شود.

۱-۲. کرامت ذاتی

کرامت ذاتی انسان، فراتر از مراتب حیات نباتی و نفس حیوانی، ریشه در روح انسانی و نفخه الهی دارد؛ حقیقتی که هیچ موجود دیگری از آن بهره‌مند نیست و همین ویژگی، اساس تکریم او را تشکیل می‌دهد. سرچشمه این روح، قوای عالی‌های چون دانایی، توانایی، شور و شعور انسانی، اراده آزاد و حق انتخاب است؛ امتیازاتی که ظرفیت علمی و شناختی انسان را به مرتبه‌ای می‌رساند که می‌توان آن را بزرگ‌ترین ظرفیت علمی در میان ممکن‌الوجودها دانست. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان تصریح می‌کند که کرامت انسان به نعمت عقل و خرد وابسته است؛ نعمتی که اختصاص به انسان دارد و به واسطه آن، توانایی تشخیص خیر از شر و خوب از بد برای او فراهم می‌شود. افزون بر این، مقولات دیگری همچون نطق، بهره‌مندی از لذت‌های عقلانی و تسلط بر سایر موجودات، همگی بر پایه عقل استوارند و از آن منشعب می‌گردند. فضیلت انسان نیز در همین نکته نهفته است که نعمت‌های اعطا شده به سایر موجودات، در وجود انسان به نحو کامل‌تر و برتر تحقق یافته است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۳/۱۵۶).

کرامت انسانی در قرآن کریم (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم مطرح است که در سه محور اساسی تبیین می‌گردد: نخست، کاربرد فعل «كَرَّمْنَا» نشان



می‌دهد که سرچشمه این کرامت، الهی و اعطایی است؛ بدین معنا که انسان از سوی خداوند به موهبتی ویژه دست یافته است. دوم، تعبیر «بَنی آدم» به جای واژه‌های محدودکننده، بیانگر شمول این کرامت برای همه انسان‌هاست، فارغ از دین، نژاد یا عقیده و ... این نکته، بنیان حقوق بشر و اصل برابری ذاتی انسان‌ها را در اندیشه اسلامی تقویت می‌کند. سوم، این کرامت الهی تنها جنبه نظری ندارد، بلکه آثار عینی و عملی نیز به همراه دارد؛ از جمله تسخیر وسایل حمل و نقل در خشکی و دریا، بهره‌مندی از روزی‌های پاکیزه و برتری بر بسیاری از مخلوقات. مجموعه این محورها جایگاه ممتاز انسان در نظام آفرینش را آشکار می‌سازد و تصویری جامع از کرامت انسانی ارائه می‌دهد؛ تصویری که هم بُعد الهی دارد و هم در زندگی روزمره بشر تجلی می‌یابد (جوان آراسته، ۱۴۰۱: ۶۲).

۲-۲. مبنای کرامت ذاتی

- اراده و اختیار

آزادی اراده و اختیار یکی از زیربناهای اصلی کرامت ذاتی انسان است که مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادین را در بر می‌گیرد: نخست آنکه انسان، موجودی هدفمند است و بخش عمده‌ای از استقلال ارادی او، ناشی از همین هدفمندی است. بر این اساس، انسان به عنوان غایت و نقطه پایان آفرینش، به جهان هستی معنا و رنگ می‌بخشد و همه موجودات، در مسیر خدمت به او و تابع او آفریده شده‌اند.

آزادی و اختیار، به عنوان یکی از پایه‌های اساسی کرامت ذاتی انسان، در آموزه‌های دینی نیز همواره مورد تأکید فراوان بوده است؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ در این خصوص می‌فرماید: «هیچ چیزی نزد خداوند گرامی‌تر از انسان نیست». هنگامی که از ایشان پرسیده شد: «حتی فرشتگان؟» فرمودند: «آری، چرا که فرشتگان همانند خورشید و ماه، مجبور [بر اطاعت] هستند؛ اما انسان آزاد و مختار آفریده شده است» (متقی، ۱۴۰۹ق، ۱۹۲).

- قدرت اراده و تعقل

در تفسیر آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» (اسراء، ۷۰) بر این امر تاکید می‌کنند که «مقصود آیه این است که فرزندان آدم را به واسطه تعقل و تفکر، نطق و قدرت تمیز حق از باطل را به صورت زیبا و به تدبیر دنیا و آخرت کرامت و برتری بخشیده است» (طریحی، ۱۳۹۵: ۱۵۲).

- برخورداری از روح الهی

بر اساس آموزه‌های وحیانی، کرامت انسان صرفاً به دلیل برخورداری از قوه اراده، اختیار، قدرت و تعقل نیست، بلکه او از امتیازی والاتر نیز بهره‌مند است؛ نفخه روح الهی. به این معنا که خداوند، انسان را به صورت خویش آفرید و ذات او، به مثابه آینه‌ای برای تجلّی اسماء و صفات الهی، به واسطه طبعیت روحانی و جوهر معنوی خویش با تمام کائنات و هستی در پیوند و ارتباط است. از همین رو، انسان به عنوان والاترین تجلّی هویت حق تعالی شناخته می‌شود (ابن عربی، بی‌تا: ۱۵۱).

در این مبانی ذکر شده، زن و مرد به صورت یکسان اشتراک دارند و هر دو از آنها برخوردارند.

۲-۳. کرامت اکتسابی

کرامت انسانی در اندیشه اسلامی، تنها به کرامت خدادادی و ذاتی محدود نمی‌شود، بلکه شامل کرامت اکتسابی نیز می‌گردد. این کرامت ویژه انسان‌هایی است که با مجاهدت و تلاش در مسیر تعالی روح، شرافت و هویت انسانی خویش گام برمی‌دارند و با تخلق به تقوا و تزکیه نفس، به مراتب بالاتری از قرب الهی دست می‌یابند. بدیهی است که این نوع کرامت دارای مراتب است و میزان آن وابسته به همت، کوشش و لیاقت هر فرد می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، در حقیقت، گرامی‌ترین شما نزد خداوند،



پرهیزگارترین شماس است» (حجرات/ ۱۳). از این آیه روشن می‌شود که معیار برتری و کرامت در اندیشه اسلامی، تقواست و این همان کرامت اکتسابی است که انسان با اختیار و اراده خود بدان دست می‌یابد.

۲-۴. تفاوت کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی

- کرامت ذاتی، غیرارادی و همگانی است؛ در حالی که کرامت اکتسابی، ارادی و اختیاری بوده و تنها شامل کسانی می‌شود که در مسیر تقوا و تزکیه گام بردارند.

- کرامت ذاتی همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد؛ اما کرامت اکتسابی اختصاص به افراد خاص دارد.

- دوام کرامت ذاتی وابسته به دوام وجود انسانی است؛ در حالی که کرامت اکتسابی به میزان پایداری فرد در مسیر تقوا و عمل صالح بستگی دارد (جوان آراسته، ۱۴۰۱: ۶۶).

- دستیابی به کرامت اکتسابی متوقف بر برخورداری از کرامت تکوینی است؛ زیرا اگر قابلیت‌ها و استعدادهای ذاتی در وجود انسان به ودیعه نهاده نشده باشد، امکان وصول به مراتب عالی کرامت برای او فراهم نخواهد شد.

- کرامت اکتسابی در پیوندی وثیق با ایمان و تقوا قرار دارد؛ به گونه‌ای که هر اندازه فرد از مراتب بالاتری از ایمان و تقوا برخوردار باشد، به درجات والاتری از مقام کرامت نائل خواهد شد. بر همین اساس، برخی اندیشمندان حد نصاب کرامت انسانی را همان کرامت اکتسابی دانسته و معتقدند که بدون آن، انسان فاقد هرگونه کرامت حقیقی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۲۸-۳۳۲). از منظر ایشان، محرومان از این کرامت مصداق آیات «كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/ ۱۷۹) و «شَیَاطِینَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ» (انعام/ ۱۱۲) هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۷). برخی عرفا نیز کسانی را که از کرامت اکتسابی محرومند، صرفاً «حیوان ناطق» دانسته‌اند و نسبت آنان با انسان حقیقی را همانند نسبت جسد بی‌روح با انسان زنده ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی تنها صورت و ظاهر آنان شبیه انسان است، بی‌آنکه حقیقت انسانی در وجودشان تحقق یافته باشد (ابن عربی، بی‌تا: ۲/ ۴۴۱، ۴۶۸).

در کسب کرامت اکتسابی از نظر قرآن و نهج البلاغه زن و مرد به صورت یکسان نقش دارند و هر کدام براساس فعالیت‌هایشان می‌توانند به مراتب کرامت اکتسابی دست یابند.

۳. جایگاه زن در قرآن و سنت

قرآن کریم هرگاه از کمالات و ارزش‌های متعالی انسانی سخن می‌گوید، زنان را هم‌پایه و هم‌تراز مردان معرفی می‌کند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» (احزاب / ۳۵)، خداوند به‌صراحت، مردان و زنان مسلمان، مؤمن، عبادت‌پیشه، راستگو، شکیبا و فروتن را در کنار یکدیگر و برای دستیابی به یک هدف مشترک برمی‌شمارد. این آیه به روشنی وحدت شخصیت انسانی زن و مرد و برابری آنان در بهره‌مندی از اوصاف عالی اخلاقی و معنوی را تأیید می‌کند (علائی رحمانی، ۱۳۶۹: ۳۳).

مسئولیت اجتماعی در قرآن و سنت، شبکه‌ای از تکالیف فردی، خانوادگی، اجتماعی و عهد الهی را دربر می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که رفتار مسئولانه شاخص انسان سالم دانسته شده و تناسب تکلیف با توان فرد و پای‌بندی به عهد، از سازوکارهای کلیدی تقویت آن است. متون دینی بر تربیت شهروند مسئول و آگاه از طریق آموزش حقوق و مسئولیت‌ها تأکید دارند و این آموزه‌ها به‌عنوان سرمایه اخلاقی و هنجاری جوامع دینی مطرح می‌شوند. قرآن کریم بارها بر مسئولیت فرد در برابر خداوند، خانواده و جامعه تأکید کرده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً» (مدثر / ۳۸). در نهج البلاغه نیز مسئولیت‌پذیری اجتماعی زنان در خانواده و جامعه به عنوان عوامل تأثیرگذار در بخش مدیریت خانواده و اجتماع تأکید شده است (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۳). این مسئولیت شامل مدیریت خانواده و اجتماع است و زن به‌عنوان عضو فعال جامعه، در همه این عرصه‌ها نقش دارد.

قرآن کریم نمونه‌های برجسته‌ای از زنان مؤمن مانند مریم (آل عمران / ۴۲) و آسیه (تحریم / ۱۱)، را ذکر کرده و آنان را الگوهای ایمان و مقاومت معرفی کرده است. همچنین در سنت نبوی، زن به‌عنوان شریک در تربیت نسل و حافظ ارزش‌های دینی شناخته



می‌شود. این مبانی در نهج‌البلاغه ادامه یافته و در قالب خطبه‌ها و نامه‌های امام علی (ع) بازتاب یافته است.

نهج‌البلاغه به‌عنوان متنی اخلاقی-اجتماعی، اصولی چون عدالت، تقوا، مسئولیت‌پذیری و کرامت انسانی را برای همه اعضای جامعه بیان می‌کند. در این میان، زن نیز به‌عنوان موجودی دارای کرامت و مسئولیت، مورد توجه قرار گرفته است. برخی خطبه‌ها و نامه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به کرامت زن اشاره نموده که مبدا در گرمی داشتن زن زیاده‌روی کنی که او را به طمع‌ورزی کشانده و ... همچنان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش زن در خانواده و جامعه پرداخته شده و تصویری متوازن از جایگاه او ارائه شده است (ر.ک: نهج‌البلاغه، خطبه ۸۰؛ نامه ۳۱، ۳۲؛ حکمت ۶۱).

۴. جایگاه زن در نهج‌البلاغه

۴-۱. زن به عنوان امانت الهی

حضرت علی (ع) زن را امانت الهی می‌دانند؛ چنانکه می‌فرماید: «إِنَّهُنَّ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، فَلَا تَضَارُّوهُنَّ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ؛ زنان، امانت خدا نزد شما هستند، پس به آنان زیان مرسانید و بر ایشان سختگیری نکنید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳). همان‌طور که دیگر امانت‌های پروردگار گرانقدر و شایسته تکریم هستند، این امانت نیز باید چنانکه شایسته امانت‌گذار است، پاسداری و نگهداری شود؛ چرا که در روز قیامت، خداوند متعال از امانت‌های خویش بازخواست خواهد کرد: با آنها چگونه رفتار کردید؟ آیا حق امانتداری را به جا آوردید؟ و ... ایشان در این سخن، دو فراز از آیات قرآن کریم (آیه ۶ سوره طلاق، آیه ۲۳۲ سوره بقره و آیه ۱۹ سوره نساء) را برگزیده‌اند. این جایگاه رفیع را به روشنی در سیره عملی امام (ع) نیز می‌توان دید؛ ایشان آنگاه که حضرت فاطمه (ع) را به خاک می‌سپاردند، با حسرتی ژرف فرمودند: «امانت خدا از دست من گرفته شد» (دشتی، ۱۳۸۸: ۳۰۲). به این

ترتیب می‌توان گفت زن در دیدگاه امام علی (ع) موجودی دارای کرامت است که حفظ او را به عنوان امانت الهی تلقی می‌کند.

۲-۴. زن به عنوان بهترین مخلوق

برای اثبات جایگاه زن در نهج البلاغه، سخن حضرت (ع) در مورد حضرت فاطمه (ع) کافی است که فرمود: «و منا خیر نساء العالمین؛ فاطمه بهترین زنان جهان است» (نهج البلاغه، نامه ۲۸). این نگاه بیانگر جایگاه و کرامت انسانی زن است که حضرت (ع) با کلمات زیبا و موزون آن را بیان می‌کند.

۳-۴. زن به عنوان گل بهاری

حضرت (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندشان امام حسن (ع) می‌فرماید: «لا تملك المرأة من أمرها ما جاوز نفسها فإن المرأة ريحانة؛ کاری را که فراتر از توانایی زنان است بر ایشان تحمیل نکنید؛ زیرا زن همچون گل بهاری است».

این تعبیر کوتاه اما ژرف، سرشار از نکته‌ها و حکمت‌هاست. در این نگاه، زن از اینکه به عنوان موجود دارای کرامت مورد ظلم و ستم قرار نگیرد، از او با عنوان «گل بهاری» یاد شده است؛ گلی که نماد محبت، عشق و صفا بوده و سرچشمه‌ی طراوت و شادابی زندگی به شمار می‌آید. در واقع حضرت (ع) با یک عبارت موجز، چند ویژگی بنیادین زن را بیان می‌کنند؛ ویژگی‌هایی که راز آفرینش او را آشکار ساخته و نقش وی را در نظام هستی تعیین می‌نماید. زن با توجه به این خصوصیات می‌تواند بسیاری از مسئولیت‌های خویش را در زندگی بهتر درک کند.

زن زیبایی‌بخش هستی و زوده‌کننده‌ی کدورت‌ها و ناملايمات زندگی است. زن لطیف و ظریف است و نباید کارهای دشوار و طاقت‌فرسا بر او تحمیل شود. زن به دلیل حساسیت روحی، زود پژمرده و افسرده می‌گردد؛ بنابراین نباید عواطف و احساسات او جریحه‌دار



شود. زن آرامش بخش زندگی و سرچشمه طراوت و شادابی جهان است. زن همچون عطر هستی است که فضای زندگی را سرشار از صفا و معنویت می سازد.

۵. کرامت زن در نهج البلاغه

حضرت علیه السلام در خصوص کرامت اکتسابی زنان مؤمن در خطبه ۱۵۳ در نهج البلاغه می فرماید: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هُمَا بَطُونُهَا وَإِنَّ السَّبَاعَ هُمَا الْعُدَّانُ عَلَى غَيْرِهَا وَإِنَّ النِّسَاءَ هُمُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا: إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُسْتَكِينُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ مُشْفِقُونَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ خَائِفُونَ؛ همانا تمام حیوانات در تلاش برای پر کردن شکم اند و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران و زنان بی ایمان تمام همتشان آرایش زندگی و فسادانگیزی در آن است، ولی زنان مؤمنان فروتن اند، همانا مؤمنان مهربانند، همانا مؤمنان از آینده ترسانند».

امام علیه السلام در نامه ۱۴ نهج البلاغه در مورد زنان با توجه به کرامت آنان در هنگام جنگ می فرماید: «وَلَا تَهْجُوا النِّسَاءَ بَأَذَى، وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ، وَسَبَّيْنَ أَمْرَاءَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ إِنْ كُنَّا لَنُؤْمَرُ بِالْكَفِّ عَنْهُنَّ وَإِنَّهُنَّ لَمُشْرِكَاتٌ؛ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لِيَتَنَاوَلَ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْفَهْرِ أَوْ الْحِرَاوَةِ فَيُعْبِرُ بِهَا وَعَقِبُهُ مِنْ بَعْدِهِ؛ زنان را با آزار دادن تحریک نکنید هر چند آبروی شما را بریزند یا امیران شما را دشنام دهند که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند. در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی به زنی حمله میکرد، او و فرزندانش را سرزنش می کردند». این نامه دلالت صریح بر کرامت انسانی زن دارد که حتی در میدان جنگ نیز دستور به رعایت آن شده است.

کرامت انسانی زن در نهج البلاغه با تقوا و عبادت پیوندی ناگسستنی دارد. امام علی علیه السلام بارها بر تقوا به عنوان معیار برتری انسان ها تأکید کرده است؛ چنانکه در خطبه ۱۹۳ در وصف متقیان می گوید: خداوند روزی بندگان را میانشان تقسیم کرده و هر یک را در جایگاه شایسته اش قرار داده است. اما پرهیزگاران در همین دنیا نیز از امتیازات و



فضیلت‌های برجسته‌ای برخوردارند: سخنشان راست و استوار، پوشششان میانه‌رو و متعادل، و راه رفتنشان همراه با فروتنی و تواضع است. چشمان خود را بر آنچه خداوند حرام کرده می‌بندند و گوش‌های خود را به دانش سودمند می‌سپارند. در روزهای سختی و آسایش، حال و ایمانشان یکسان و پایدار است و اگر مرگی نبود که خداوند برای آنان مقدر فرموده، جان‌هایشان حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن، در کالبد‌هایشان قرار نمی‌گرفت؛ چرا که از شوق دیدار بهشت و ترس از عذاب دوزخ، بی‌تاب و بی‌قرارند.

بر این اساس، زن با پیمودن مسیر تکامل معنوی می‌تواند به مقامی دست یابد که موجب فخر خاندان وحی گردد. مفاهیم بلندی همچون اسلام، ایمان، عبادت، راستگویی، بردباری، فروتنی و پاکدامنی، اموری جنسیت‌پذیر نبوده و به‌طور یکسان در دسترس زنان و مردان قرار دارند. آیات کریمه قرآن نیز گواهی می‌دهند که هر یک از ایشان می‌توانند به این مراتب عالی نائل گردند، در مسیر کمال و تعالی روحی به‌صورت همسان گام بردارند و به درجات والای قرب الهی دست یابند (حکیمی، ۱۳۸۳: ۲۲).

۶. زن و مسئولیت اجتماعی در نهج البلاغه

حیات انسانی در شبکه پیچیده‌ای از روابط و مسئولیت‌ها معنا می‌یابد و هر فرد، اعم از زن و مرد، نقش‌های چندگانه‌ای را در عرصه‌های مختلف زندگی بر عهده دارد. در این میان، جایگاه و نقش زن به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی، همواره کانون توجه مکاتب فکری و دینی بوده و نهج البلاغه نیز به عنوان گنجینه‌ای بی‌بدیل از حکمت و موعظه برآمده از کلام مولی المتقین (علیه السلام)، از این التفات به‌دور نبوده است. نوشتار حاضر در ادامه مباحث، با محوریت کلام امیر (علیه السلام)، تصویری روشن از مسئولیت‌پذیری اجتماعی زن در عرصه خانواده، جامعه و در قبال عبادت پروردگار ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که نهج البلاغه در مورد مسئولیت اجتماعی زنان به عنوان جزء اساسی جامعه تأکید دارد.



۶-۱. مسئولیت زن در خانواده

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ به امام حسن علیه السلام، بر نقش تربیتی و اخلاقی خانواده تأکید می‌نماید و اینکه زن در این چارچوب، مسئولیت مهمی در تربیت نسل، حفظ انسجام خانوادگی و انتقال ارزش‌های دینی دارد. کرامت زن در خانواده با ایفای نقش تربیتی و اخلاقی معنا می‌یابد و این مسئولیت، بخشی از کرامت اکتسابی او محسوب می‌شود. در حکمت ۲۳۳ نهج‌البلاغه نیز امام علیه السلام به تفاوت‌های اخلاقی میان مردان و زنان اشاره کرده و می‌فرماید: «خصائص الرجال و النساء وقال: خيار خصال النساء شرار خصال رجال: الزهو، والجبن، والبخل: فإذا كانت المرأة مزهوة لم تمكن من نفسها، وإذا كانت بخيلة حفظت مالها ومال بعليها، وإذا كانت جبانة فرقت من كل شيء يعرض لها؛ تفاوت اخلاقی مردان و زنان: برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند: تکبر، ترس، بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد، اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و چون ترسان باشد، از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند، فاصله می‌گیرد». با توجه به این حکمت در مورد نقش زنان در مدیریت همه‌جانبه خانواده می‌توان گفت:

- تکبر در زنان: به معنای حفظ حریم شخصی و خانوادگی است. زن با این ویژگی مانع ورود بیگانگان به حریم خانواده می‌شود و در نتیجه، امنیت اجتماعی و اخلاقی خانواده را تضمین می‌کند.

- بخل در زنان: به معنای دقت در مصرف و حفاظت از دارایی‌های خانواده است. این ویژگی در سطح اجتماعی موجب پایداری اقتصادی خانواده و جلوگیری از اسراف می‌شود. - ترس در زنان: به معنای حساسیت نسبت به آبرو و حیثیت اجتماعی است. زن با این ویژگی از هر عامل تهدیدکننده شأن و اعتبار خانوادگی دوری می‌کند و بدین‌وسیله سلامت اجتماعی و اخلاقی خانواده را پاسداری می‌نماید.

به این ترتیب، از منظر نهج البلاغه، زن نه تنها در عرصه تربیت و مدیریت خانواده نقش محوری دارد، بلکه مسئولیت اجتماعی او در حفظ امنیت اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی خانواده، به طور مستقیم بر سلامت جامعه اثرگذار است. این نگاه نشان می‌دهد که ویژگی‌های روانی و اخلاقی زنان، اگر در مسیر درست هدایت شوند، می‌توانند به عنوان سرمایه‌های اجتماعی در ساختار خانواده و جامعه عمل کنند.

۲-۶. مسئولیت زن در جامعه

در اسلام، زنان همانند مردان از جایگاه و پایگاهی شایسته در عرصه‌های اجتماعی برخوردارند و از مشارکت در حرکت‌ها و فعالیت‌های جمعی منع نشده‌اند، بلکه بر اساس آموزه‌های متقن قرآنی و حدیثی، مسئولیت‌های اجتماعی به شکلی یکسان بر عهده هر دو جنس نهاده شده است. البته باید توجه داشت که تکلیف «جهاد ابتدایی» و «جنگ تهاجمی» از دوش زنان برداشته شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» مردان و زنان باایمان، یار و یاور یکدیگرند که به کارهای پسندیده واهی دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز برپا می‌دارند...» (توبه/ ۷۱). بر پایه این فرمان الهی، زنان همانند مردان از مسئولیت‌های مهم در حوزه «ولایت اجتماعی» برخوردارند. بدین سان، آنان موظفانند در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و حقوقی نقش هدایت‌گر ایفا کنند و به امر به معروف و نهی از منکر بپردازند. گستره مفهومی «معروف» و «منکر» در اندیشه اسلامی، قلمرو مشارکت اجتماعی زنان را به روشنی ترسیم می‌کند. از این رو، در تمامی عرصه‌هایی که مردان حق حضور و فعالیت دارند - جز موارد استثنایی - زنان نیز می‌توانند حضوری فعال و اثرگذار داشته باشند.

امام علی علیه السلام در مورد مسولیت اجتماعی زن می‌فرماید: «وَأَيُّكُمْ وَمُسَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَى أَقْنٍ، وَعَزْمُهُنَّ إِلَى وَهْنٍ؛ در امور سیاسی کشور از مشورت با زنان بپرهیز که رأی آنان زود



سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است» (نهج/البلاغه، نامه ۳۱). این سخن در ابتدای امر متعارض با سایر اصول اسلام از قبیل کرامت زن است، ولی با تأمل و دقت بیشتر سخن ایشان در سیاق تخصص و عدم تخصص زنان در این عرصه قابل تشخیص است. در آن زمان زنان در مناصب عمومی و سیاسی چندان حضور نداشتند، از این جهت تجربه ایشان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کم‌رنگ بود و طبعاً مشورت با ایشان در این امور به نفع کشور و مردم نبود. از این‌روست که حضرت ﷺ فرمودند در چنین حالتی (عدم آگاهی زنان) از آنها مشورت نگیرید.

امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: زنان از حیث ایمان دینی، سهم‌الارث و عقل، در مقایسه با مردان نقصان دارند و دلیل این نقصان عقل آنان است که شهادت دو زن معادل گواهی یک مرد قرار داده شده است (نهج/البلاغه، حکمت ۸۰). این بیان دربردارنده دو نکته اساسی است: نخست آنکه این ضعف عقل، امری اختیاری و ارادی نیست؛ بنابراین هیچ‌گونه جرم یا گناهی را متوجه زنان نمی‌سازد. در مقابل، بیش از هشتاد روایت وجود دارد که بی‌خردی و حتی حماقت را به مردان نسبت داده، آن هم حماقتی که برخاسته از اراده و اختیار آنان است. دوم آنکه زن از عاطفه و احساس نیرومندی برخوردار است؛ ویژگی‌ای که جامعه به‌شدت بدان نیازمند است، همان‌گونه که به عقل و تدبیر مردان نیاز دارد. در حقیقت، نقش احساس در نظام آفرینش کمتر از عقل نیست و هر یک جایگاه ویژه‌ای در تکامل انسان و سامان‌دهی زندگی اجتماعی دارند.

نهج/البلاغه زن را تنها در چارچوب خانواده محدود نمی‌کند، بلکه بر نقش اجتماعی او نیز تأکید دارد. زن در جامعه مسئول حفظ ارزش‌ها، مشارکت در امور اجتماعی و ایفای نقش در پایداری فرهنگی است. این مسئولیت اجتماعی، کرامت زن را در عرصه عمومی تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که زن در نگاه امام علی ﷺ عضوی فعال در ساختار اجتماعی است.

۳-۶. مسئولیت زن در برابر خداوند

کرامت انسانی زن در نهج البلاغه با تقوا و عبادت پیوندی ناگسستنی دارد. امام علی (ع) بارها بر تقوا به عنوان معیار برتری انسان‌ها تأکید کرده است. ایشان در وصف متقیان می‌گوید: پس از ستایش و سپاس پروردگار یکتا، باید گفت که خداوند سبحان، آفرینش را به گونه‌ای آفرید که از فرمانبری آنان بی‌نیاز و از نافرمانی‌شان در امان است. چرا که نافرمانی گناهکاران هیچ زینانی به ذات پاک او نمی‌رساند و اطاعت فرمانبرداران نیز بر شکوه او نمی‌افزاید. خداوند روزی بندگان را میانشان تقسیم کرده و هر یک را در جایگاه شایسته‌اش قرار داده است. اما پرهیزگاران در همین دنیا نیز از امتیازات و فضیلت‌های برجسته‌ای برخوردارند: سخنشان راست و استوار، پوشششان میانه‌رو و متعادل، و راه رفتنشان همراه با فروتنی و تواضع است. چشمان خود را بر آنچه خداوند حرام کرده می‌بندند و گوش‌های خود را به دانش سودمند می‌سپارند. در روزهای سختی و آسایش، حال و ایمانشان یکسان و پایدار است و اگر مرگی نبود که خداوند برای آنان مقدر فرموده، جان‌هایشان حتی به اندازه یک چشم بر هم زدن، در کالبد‌هایشان قرار نمی‌گرفت؛ چرا که از شوق دیدار بهشت و ترس از عذاب دوزخ، بی‌تاب و بی‌قرارند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). در این خطبه که به «خطبه متقین» شهرت دارد، امام (ع) موضوعات بسیار اساسی را بیان می‌کند که این الفاظ از لحاظ علم اصول فقه عام محسوب می‌شوند و در دلالت عام مرد و زن شامل است. پس این توصیفات حضرت (ع) در خصوص به مردان و زنان پارسا صدق می‌کند. در این خطبه به جایگاه ارتباط زنان و مردان نیز اشاره شده است. از این‌رو می‌توان گفت زن نیز همانند مرد، در برابر خداوند مسئول است و عبادت و عمل صالح، کرامت او را ارتقا می‌بخشد. این مسئولیت الهی، اساس همه مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی زن است.





نتیجه‌گیری

با توجه بدانچه بیان شد می‌توان گفت نهج‌البلاغه با ارائه جامع، منسجم و نظام‌مند، جایگاه زن را در دو محور «کرامت ذاتی» و «مسئولیت اجتماعی» بازتعریف می‌کند. در بُعد کرامت انسانی، زن به‌عنوان جلوه‌ای از امانت الهی و برترین مخلوق، صاحب کرامتی ذاتی است که در مواردی همچون توصیه به رعایت شئون زنان حتی در شرایط بحرانی جنگ تجلی می‌یابد و بر پرهیز از کارهای شاقه که نمونه‌ای از کرامت زن است، تأکید شده است. این کرامت با ایمان، به مرحله متعالی‌تری به‌صورت «کرامت اکتسابی» ارتقا می‌یابد. در بُعد مسئولیت اجتماعی، نقش زن از حوزه خصوصی خانواده فراتر رفته و مسئولیت‌های اجتماعی فعالانه‌ای از قبیل تربیت نسل، حفظ ارزش‌ها، تبلیغ دین و امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود.

این چارچوب نظری، الگویی پویا و جامع از هویت زن مسلمان ارائه می‌دهد که او را موجودی چندبُعدی، اثرگذار و صاحب‌مسئولیت در حیات فردی و اجتماعی ترسیم می‌کند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که نهج‌البلاغه با تأکید بر کرامت و مسئولیت‌پذیری زن، پایه‌های نظری مستحکمی برای نقش‌آفرینی اجتماعی وی در نظام اسلامی فراهم می‌سازد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات نشتا، ۱۳۹۶.
۳. ابن عربی، محی الدین، فصوص الحکم، بیروت: دارالکتب العربی، بی تا.
۴. ارژنگ، اردوان؛ دهقان سیمکانی، «مهدی، قاعده وجوب تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی»، فصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول، ش ۱۰۰، ۱۳۹۴.
۵. جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر، تهران: مؤسسه تدوین و نشر علامه جعفری، ۱۳۷۰.
۶. جوادی آملی، عبدالله، «امام خمینی و کرامت انسان»، نشریه همایش بین المللی امام خمینی و قلمرو دین کرامت/انسان، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ش ۱، ۱۳۸۶.
۷. جوادی آملی، عبدالله، سیرت و صورت انسان در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۹۰.
۸. جوان آراسته، حسین، مبانی انسان شناسی اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۱.
۹. حسینی، سیدجعفر؛ وکیلی زاده، رحیم؛ موثقی، حسن، «کرامت انسانی در اعلامیه حقوق بشر و اسلام با تکیه بر اندیشه و اشعار عرفانی امام خمینی»، فصلنامه بهارستان سخن، ش ۳۵، ۱۳۹۶.
۱۰. حکیمی، محمد، دفاع از حقوق زن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات قرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۳. رحیمی نژاد، اسمعیل، «نگرش اسلامی به کرامت انسانی»، فصلنامه معرفت، س ۱، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سیدباقر موسوی همدانی، قم: دار العلم، ۱۳۶۶.





۱۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۹۵ق.
۱۶. علائی رحمانی، فاطمه، زن/از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۱۷. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا، ۱۳۹۰.